

با سر افگندگی ولسی جرگه، دکتور سپینا بوظیفه اش ابقا شد!

بعد از سقوط رژیم طالبان، جامعه ملل و در راس دولت اضلاع متحده امریکا برای ره یافت تامین امنیت و ریشه کن کردن تروریسم در افغانستان و منطقه به راه خطا رفتند، زیرا در جامعه سنتی متشکل از اقوام و قبایل مختلف که سیستم اداره آن مطابق ساختار اقتصادی فرهنگی و سیاسی بصورت عنعنوی ارباب رعیتی بود و اقوام ساکن در آن سرزمین سالها و قرن‌ها از روی چار و یا ناچار به آن گردن نهاده و در کنار هم می زیستند و دستکم بیش از چهل سال تا قبل از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ از ثبات و آرامش نسبی برخوردار بود، متأسفانه دولت امریکا و دولتهای قدرتمند دیگر جهان واقعیت های عینی جامعه را نادیده گرفته، خواستند سیستم دموکراسی غربی را توسط کسانی در افغانستان مستقر نمایند که آنها علاوه از نداشتن شناخت از دموکراسی سالها در ضدیت با آزادی، حقوق زن و حقوق بشر تکثیر خشونت، فساد و بی ثباتی کرده بودند. آنها که بوسیله گروه طالبان تحت حمایت حکومت پاکستان از قدرت انداخته شده بودند و سران گروه های مزکور بکشورهای همجوار افغانستان فرار کرده و در خواب هم نمی دیدند که روزی بار دیگر بقدرت برسند ولی امریکائی ها آنها را بیشتر از پیشتر به ثروت و قدرت رساندند و این خلاف خواست مردم ستمدیده و آواره افغانستان بود که در انتظار محکمه و مجازات شان بودند و با تعجب دیده شد که همان جنگجویان و جنایتکاران به لویه جرگه ها دعوت شدند و راه یافتند که با چه طمطراق و رسوائی عمل کردند، و چون مایملک شخصی میان خود شان به تقسیم قدرت پرداختند و قانون اساسی ضد و نقیضی را بوجود آوردند، اما پس از اینکه در انتخاب ریاست جمهوری هیچکدام از جنگسالاران به آن مقام نرسید، حالا همان قانون ساخته و پرداخته خود را که چند صباحی از عمر آن نگذشته رد میکنند و بجای سیستم ریاستی سیستم پارلمانتاریسم را میخواهند زیرا جنگسالاران پس از اشغال اکثریت کرسی های پارلمان دریافته اند که اگر اوضاع به همین منوال ادامه یابد آنها امید وار اند که در دور بعدی انتخابات ولسی جرگه با توان بیشتر اکثراً کرسیها را اشغال خواهند کرد و در آنصورت با زد و بند باهم خواهند توانست زیر نام به اصطلاح « جبهه متحد ملی » قدرت اجراییه را که خواست و هدف اساسی شان است نیز کاملاً بدست آورند. از سوی دیگر آنها فکر میکنند که اگر تیم کرزی را بی اعتبار و از قدرت نیندازند کرزی و حامیان خارجی شان به تدریج یکی پی دیگر آنها را از صحنه قدرت کنار خواهند زد.

لذا اقدامات و تخریبات اخیر شان ذیلاً بیانگر این مدعاست :

۱ - طرح و تصویبی از سوی ولسی جرگه، مبنی بر معافیت مجرمین جنگ و جنایات در افغانستان از تعقیب عدلی و حقوقی (عفو تقصیر از خود)

۲ - تشکیل « جبهه متحد ملی » که کلاً افراد آن از جنگسالاران داخل ولسی جرگه و دیگر نهاد های دولت برای کسب هرچه بیشتر قدرت تشکیل شده است.

۳ - اقدام ولسی جرگه : در مورد سلب اعتماد از وزیر مهاجرین و وزیر امور خارجه به بهانه اخراج مهاجرین افغان از ایران.

۴ - به راه اندازی مظاهره خشونت بار از سوی جنگسالار عبدالرشید دوستم : که باعث خونریزی و تشنج در شهر شبرغان گردید.

۵ - اظهارات قسیم فهیم در اوایل ماه جون از طریق رادیو بی بی سی که رئیس جمهور کرزی را متهم به بیکیفایتی نمود .

۶ - فیصله ولسی جرگه در قسمت سلب صلاحیت موقت ملالی جویا از کرسی نمایندگی شورا ، ظاهراً نسبت اینکه ولسی جرگه را طویل گفته اما در واقعیت امر بخاطر آن زور شانرا به او نشان دادند که این دختر قهرمان آنتن افشا کننده چهره های خائن ملی و عملکرد های غیر انسانی آنها می باشد .

۷ - با آنکه ستره محکمه به عنوان عالیترین مرجع تصمیم گیری در قضایای مورد اختلاف میان نهاد های دولت، در مورد سلب اعتماد ولسی جرگه از دکتور سپینتا وزیر امور خارجه غیر قانونی ارزیابی گردیده و به اساس آن میباید وزیر خارجه بوظیفه اش پردازد اما ریاست ولسی جرگه لجوجانه و با تشبث به صلاحیت نهاد اجرائیه متحد المالا از سلب صلاحیت وزیر مذکور به نمایندگی های وزارت خارجه خبر داده است. سر انجام رئیس جمهور و کابینه اش به استناد نظر ستره محکمه تصویب نمودند که دکتور سپینتا میتواند نورمال بوظیفه اش ادامه دهد

۸ - اختلافات بجائی رسیده که در قضیه وزیر خارجه رئیس جمهور از محمد یونس قانونی تقاضای مذاکره نموده بود ولی وی نپذیرفته است .

۹ - بتاریخ ۸ جون ۲۰۰۷ لت و کوب لوی خارنوال عبدالجبار ثابت از سوی جنرال دین محمد جرئت و دار و دسته اش .

مطالبی که به اختصار در بالا تذکار یافت صرفاً رویداد دو سه ماه اخیر بوده و بملاحظه آن میتوان یقین حاصل کرد که عمر سازشهای ریاکارانه میان جناح های رقیب در دولت کرزی پایان یافته که جنگسالاران نه اهمیت و ارزشی به قانون و نظر ستره محکمه قایل اند و نه حق و صلاحیتی به وزیر و رئیس جمهور، و دیوانه وار در تلاش اند تا کرزی و تیم کاری اش را از قدرت بر اندازند، اما بدین گونه عملکرد ها اگر با دست خود گور خود را نکنند باشند ولی خصلت ضد مردمی و اصلاح نا پذیری خود را بیشتر از هر وقت دیگر ثابت ساخته اند .

ختم